

امتداد هياهو

بالکن حزب توده و سیاست‌های خیابانی حزب در دهه‌ی بیست^۱

فردوسی بر بالکن^۲

در شب پنجم آبان ۱۳۲۳، جمعیت انبوهی در خیابان فردوسی موج می‌زد؛ شایعه شده بود که حزب توده به‌نفع شوروی و برای تأمین درخواست این کشور برای دست‌یابی به نفت شمال دست به کودتا خواهد زد.^۳ این اولین و آخرین باری نبود که جمعیتی پرشمار در خیابان فردوسی جمع شده بودند. در تجمعی که برای اولین بار و در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۲۴، مصادف با اول مه میلادی و روز جهانی کارگر برگزار شد، ده‌ها هزار نفر با نظم و ترتیبی خاص در خیابان فردوسی گرد هم آمدند،^۴ اما تجمع سال بعد خیابان فردوسی را کاملاً پرکرد و از پایین تا میدان توپخانه و از بالا تا چهارراه استانبول ادامه یافت. در این تجمع، کارگران از «شمالی‌ترین نقاط شهر، کوی دانشگاه، تا جنوبی‌ترین بیغوله‌ی پایتخت کشور کهن‌سال، گودهای کوره‌پزخانه‌ها» جمع شده و سرودخوانان خیابان‌های

امیرمهدی بصیری

۱. به خاطره‌ی استاد فقیدم، دکتر اشکان رضوانی نراقی که از او آموختم بالکن‌ها را جدی بگیرم.

۲. از استاد عزیز دکتر سعید خاقانی برای پیشنهاد این میان‌تیتر کمال تشکر را دارم.

۳. کیا و ابوالحسنی (منذر)، ۲۱، ۱۳۸۴.

۴. روزنامه‌ی ظفر، اردیبهشت ۱۳۲۴، ش ۱۱۰، ۱.

شهر را درنور دیده و به سوی خیابان فردوسی سرازیر شدند.^۵ خیابان فردوسی در واقع نقطه‌ی آغاز قرار بود و پس از تجمع، راهپیمایی آغاز می‌شد و جمعیت با حرکت از خیابان فردوسی به خیابان نادری، سپس خیابان یوسف‌آباد سابق (حافظ امروز) می‌رفت و با عبور از چهارراه حسن‌آباد و خیابان سپه به میدان توپخانه می‌رسید.^۶

پیش از کودتای ۲۸ مرداد، احزاب گوناگون با برگزاری میتینگ‌های چند هزار نفری به دنبال نمایش اقتدار و مقبولیت خود در میان مردم عادی بودند. انعکاس این‌گونه میتینگ‌ها را می‌توان در روزنامه‌هایی دید که در آن زمان هنوز می‌توانستند بدون سانسور به شرح اخبار پردازند. طرفداران حزب توده معمولاً در خیابان فردوسی، بین میدان توپخانه و خیابان نادری

گرد هم می‌آمدند؛ تجمعات جبهه‌ی ملی و وابستگان آن‌ها در میدان بهارستان برگزار می‌شد؛ دانشجویان و محصلان جلوی دانشگاه تهران جمع می‌شدند و قشرهای سنتی و بازاریان در سبزه‌میدان اعتراض می‌کردند. گویی هر منطقه از تهران به گروه و دسته‌ی خاصی تعلق داشت و گاهی گروه و دسته‌ای به قلمروی گروه دیگر می‌رفت و میانشان درگیری و زدوخورد رخ می‌داد؛ مثلاً در ۱۴ آذر ۱۳۳۰ توده‌ای‌ها در میدان بهارستان با مخالفت پان‌ایرانیست‌ها، حزب سومکا و هواداران شمس قنات‌آبادی روبه‌رو شدند و درگیری‌هایی در این میدان رخ داد. بعدازظهر همان روز، پس از سخنرانی جبهه ملی‌ها در میدان فوزیه یا همان میدان امام حسین فعلی، تظاهرکنندگان به داخل خیابان‌ها سرازیر شدند و به دفتر روزنامه‌ها و نشریات وابسته به حزب توده در خیابان فردوسی - از جمله خانه‌ی صلح، روزنامه‌ی به سوی آینده، بدر، نوید آزادی، فرمان، آتش، سیاسی و طلوع - آسیب رساندند و آن‌ها را به آتش کشیدند؛^۷ در این میان تئاتر سعدی^۸ هم بی‌نصیب نماند.^۹

جماعتی که در شب پنجم آبان ۱۳۲۳ به خیابان فردوسی سرازیر شده بودند

همگی با قطار از مازندران و آذربایجان آمده بودند و هر لحظه به تعدادشان افزوده

می‌شد. آن‌ها منتظر پایان جلسه‌ی فوق‌العاده‌ای در اتاقی در طبقه‌ی دوم مشرف

به خیابان فردوسی بودند تا راهپیمایی را آغاز کنند. این جلسه که میان فراکسیون

پارلمانی و اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب توده از ساعت چهار بعدازظهر روز چهارم آبان

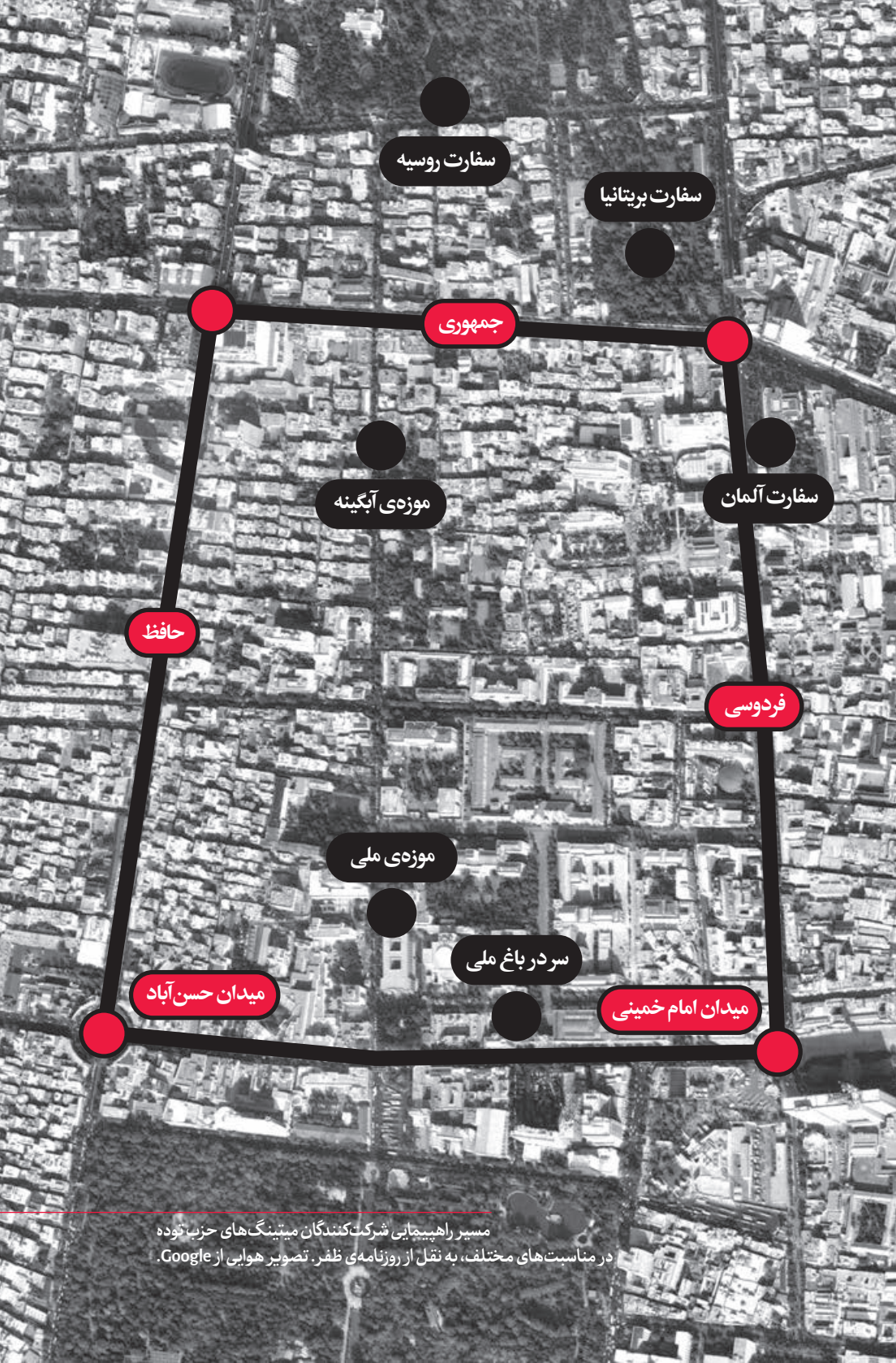
۵. همان، اردیبهشت ۱۳۲۵، ش ۱، ۲۴۶.

۶. همان، اردیبهشت ۱۳۲۴، ش ۱، ۱۱۰.

۷. طاهر احمدی، ۱۳۸۲، ۵۹.

۸. تئاتر سعدی یکی از مهم‌ترین تماشاخانه‌های تهران بود که عبدالحسین نوشین، بنیان‌گذار تئاتر نوین ایران، آن را در سال ۱۳۲۹ تأسیس کرد. این تئاتر بار دیگر در روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دست دارودسته‌ی شعبان جعفری، معروف به «شعبون بی‌مخ»، به آتش کشیده شد.

۹. طاهر احمدی، ۱۳۸۲، ۵۹.



سفرات روسیه

سفرات بریتانیا

جمهوری

موزهی آبگینه

سفرات آلمان

حافظ

فردوسی

موزهی ملی

سردر باغ ملی

میدان حسن آباد

میدان امام خمینی

مسیر راهپیمایی شرکت‌کنندگان میتینگ‌های حزب توده
در مناسبت‌های مختلف، به نقل از روزنامه‌ی ظفر. تصویر هوایی از Google.

آغاز شده بود تا پاسی از شب ادامه داشت.^{۱۰} این جمعیت منتظر حضور اعضای کمیته‌ی مرکزی روی بالکن کلوپ مرکزی حزب توده بودند تا با آن‌ها از آنچه در جلسه گذشته بود سخن بگویند. اگر آن روزها سیل خروشان تظاهرات‌کنندگان ساختمان کلوپ مرکزی حزب توده و بالکن مشهور آن را می‌پوشاندند، امروز این ساختمان در تندباد حوادث با لایه‌ی بزرگی از گرد و غبار پوشانده شده بود و هیچ‌کس آن را به یاد نمی‌آورد.

رفقا بر بالکن

اگرچه حضور اعضای کمیته‌ی مرکزی روی بالکن مشرف به خیابان فردوسی امری تقریباً نو در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شد اما این اتفاق در کشورهای دیگر، به خصوص در شوروی که اعضای حزب دل‌بسته‌ی آن بودند، امری مرسوم بود. دو تابلو از مهم‌ترین نقاشی‌هایی که از ولادیمیر لنین، رهبر انقلاب روسیه، بر جای مانده تصاویر او روی بالکن عمارت کشینسکا^{۱۱} در شهر سن پترزبورگ است. او با حضور روی این بالکن در ماه آوریل سال ۱۹۱۷، فقط چند ماه پیش از انقلاب اکتبر به سخنرانی پرداخت. عکس‌هایی از استالین و مقامات بلندپایه‌ی شوروی روی بالکن مقبره‌ی لنین در میدان سرخ مسکوهم موجود است که در آن به تماشای رژه‌ی نظامیان نشست‌ه‌اند. بالکن در حوادث سیاسی شوروی نقشی کلیدی بازی می‌کرد به طوری که فقط چند ماه پس از مرگ استالین در مارس سال ۱۹۵۳ میلادی، ناآرامی‌هایی در شهرهای چکسلواکی واقع در بلوک شرق شکل گرفت که در یکی از کلیدی‌ترین این ناآرامی‌ها که با اعتصابات گسترده‌ی کارگران شهر پلژن همراه بود، معترضان در اقدامی بی‌سابقه تالار شهر را تصرف کردند و با نصب بلندگوهایی روی بالکنی که مشرف به میدان شهر بود به بیان مطالبات خود پرداختند.^{۱۲} در واقع، معترضان با تصرف و حضور روی بالکنی که بر مهم‌ترین مکان عمومی شهر مشرف بود و با نصب بلندگو، آنجا را از آن خود کردند و به بیان مطالباتشان پرداختند.

۱۰. کیا و ابوالحسنی (منذر)، ۱۳۸۴، ۲۲.

11. Kschessinska Mansion

12. Kramer, 1999, 19.

ژوزف استالین و مقامات شوروی در حال تماشای رژه
روی بالکن مقبره‌ی لنین در مسکو.
مأخذ: Getty Images





ولادیمیر لنین در حال سخنرانی روی بالکن خانه‌ی کشینکسا. مأخذ: Getty Images

زنان بر بالکن

اعضای کمیته‌ی مرکزی کلوپ مرکزی حزب توده پس از تأسیس این کلوپ در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۲۳،^{۱۳} به منظور سخنرانی برای مردمی که در مناسبت‌های گوناگون برای راهپیمایی به خیابان فردوسی می‌آمدند به بالکن طبقه‌ی دوم کلوپ مرکزی می‌رفتند و از این راه با جمعیت صحبت می‌کردند. پیش از آغاز سخنرانی، دسته‌ی موسیقی سرود حزبی را که به منزله‌ی آغاز میتینگ بود می‌نواخت.^{۱۴} پس از آن، یکایک سخنرانان از فراز بالکن با مردم سخن می‌گفتند اما برخلاف معمول، این بار، مردان تنها سخنرانان حاضر در بالکن نبودند و زنان هم در آنجا سخنرانی می‌کردند.^{۱۵} حضور این نمایندگان زن نشانگر ورود به مرحله‌ای جدید و پراهمیت هم برای حزب و هم برای تاریخ سیاسی ایران است. برای حزب از آن جهت حائز اهمیت است که اگرچه سابقه‌ی تأسیس تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به تیر ۱۳۲۲، یعنی پیش از برگزاری کنگره‌ی اول حزبی حزب توده بازمی‌گردد،^{۱۶} در میان نام هیچ‌یک از اعضای کمیسیون‌های این کنگره‌ها، مانند اعضای کمیته‌ی مرکزی، اعضای کمیسیون تفتیش کل و کمیسیون تشکیلات، نام زنی دیده نمی‌شود.^{۱۷} فقط پنج سال پس از تأسیس تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، در جریان کنگره‌ی دوم حزبی، مریم فیروز، دختر فرمانفرمایان،^{۱۸} به عنوان یکی از اعضای مشاور کمیته‌ی مرکزی انتخاب می‌شود.^{۱۹} تأکید روزنامه‌ها بر حضور زنان چه به عنوان سخنرانان، چه در قالب راهپیمایان و حتی در نقش تماشاگران از اهمیت بازتاب دادن حضور زنان برای جلب توجه و استفاده‌ی تبلیغاتی حکایت می‌کند؛ برای مثال، در تظاهرات روز جهانی کارگر در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۲۴، مصادف با اولین سالی که روز کارگر در

۱۳. روزنامه‌ی ظفر، اردیبهشت ۱۳۲۴، ش ۱۱۰، ۲.

۱۴. همان، ۱.

۱۵. همان، ۲.

۱۶. چهل سال در سنگر مبارزه، ۱۳۶۰، ۳۴۵.

۱۷. حزب توده، از شکل‌گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷، ۱۰۷ و ۱۰۸.

۱۸. عبدالحسین فرمانفرمایان (۱۳۳۱-۱۳۱۸)، تهران) شاهزاده‌ی قاجار و نخست‌وزیر ایران در دوره‌ی احمد شاه قاجار بود. فرزندان دیگر او علاوه بر مریم فیروز؛ مبارز سیاسی، عضو حزب توده و همسر نورالدین کیانوری؛ فیروزمیرزا نصرت‌الدوله؛ وزیر امور خارجه دوره‌ی احمد شاه؛ عبدالعزیز فرمانفرمایان؛ معمار پیرآوازه؛ صَبَّار فرمانفرمایان؛ رییس انیستیتو پاستور؛ ستاره فرمانفرمایان؛ بنیان‌گذار مددکاری اجتماعی در ایران بودند.

۱۹. حزب توده، از شکل‌گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷، ۱۱۵.



ایران جشن گرفته می‌شد، خانم ابراهیم‌زاده^{۲۰} به‌عنوان نماینده‌ی تشکیلات زنان، خطاب به زنان از نقش آن‌ها در پرورش «فرزندان زحمت‌کش و فداکار» و تقدیم این فرزندان به جامعه سخن گفت و از همه‌ی کارگران زن خواست تا با اتحاد به حقوق خود دست پیدا کنند.^{۲۱} حزب توده هم مانند قشرهای سنتی، به زن به‌مثابه‌ی مادری که نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد تأکید می‌کند و به آن‌ها در مقام زن اهمیت نمی‌دهد. در گزارش روزنامه‌ها نیز هنگام توصیف تماشاچی‌هایی که روی ساختمان‌های چندطبقه‌ی مسیر، نظاره‌گر میتینگ هستند در کنار کلمه‌ی زنان از کلمه‌ی «مخصوصاً» استفاده شده و با توصیف سلسله‌مراتب حرکت تشکیلات زنان در میتینگ‌ها که پس از فراکسیون حزب توده و هیئت مدیره‌ی میتینگ و سازمان جوانان قرار می‌گیرد، این قصد وجود دارد تا نشان داده شود که زنان حضور دارند، حضور آن‌ها فعالانه است و با قرار گرفتن در صف سوم، پس از اعضای کلیدی حزب و مدیران به آن‌ها اهمیت داده می‌شود؛^{۲۲} فارغ از این‌که باز هم در این سلسله‌مراتب، هیئت مدیره‌ی سازمان جوانان مقدم بوده و همان استعاره‌ی آشنا درباره‌ی نقش زنان در تربیت جوانان به‌کار می‌رود. سرانجام در آن زمان، زنان در صحنه حضور یافتند ولی هنوز از مردان کاملاً جدا بودند. هنگامی که کلوپ مرکزی میزبان مهمانان عالی‌رتبه‌ی خارجی مانند لویی سایان، منشی کل دبیرخانه‌ی اتحادیه‌ی سندیکا‌های جهانی و مصطفی العریس، مدافع کارگران ایران در جلسات کنگره‌ی پاریس و کمیته‌ی اجرایی مسکو بود،^{۲۳} زنان نیز به‌عنوان «نمایندگان تشکیلات دموکراتیک زنان» بر فراز بالکن سخنرانی می‌کردند و به مهمانان خارجی خیرمقدم می‌گفتند.^{۲۴} کلوپ مرکزی علاوه بر برگزاری سخنرانی‌ها، کنسرت نمایش‌هایی به‌منظور جذب توده‌ها برگزار می‌کرد که از جمله‌ی این کنسرت‌نمایش‌ها می‌توان کنسرت نمایش رقص^{۲۵} و کنسرت سمفونیک^{۲۶} را نام برد که انجمن موسیقی توده آن‌ها را برپا کرده بود.^{۲۷}

۲۰. راضیه شعبانی، درگذشته‌ی ۱۰ بهمن ۱۳۹۱، یکی از زنان مبارز ایران بود. او پس از ازدواج با رضا ابراهیم‌زاده، از بنیان‌گذاران حزب توده، نام خانوادگی خود را به ابراهیم‌زاده تغییر داد. او نخست اتحادیه‌ی زنان کارگر زحمت‌کش را تشکیل داد که بعدها به تشکیلات دموکراتیک زنان ملحق شد.

۲۱. روزنامه‌ی ظفر، اردیبهشت ۱۳۲۴، ش ۱۱۰، ۱.

۲۲. روزنامه‌ی ظفر، اردیبهشت ۱۳۲۴، ش ۱۱۰، ۲.

۲۳. همان، تیر ۱۳۲۵، ش ۳۰۹، ۴.

۲۴. همان.

۲۵. نشریه‌ی بشر، شهریور ۱۳۲۴، ش ۱۹۲، ۲.

۲۶. روزنامه‌ی ظفر، فروردین ۱۳۲۵، ش ۲۳۵، ۲.

۲۷. همان.

در روزهای عادی که میتینگ و سخنرانی برگزار نمی‌شد، تلاش حزب برای حضور فعالانه در شهر و ارتباط روزمره‌ی آن با رهگذران در خیابان فردوسی در نصب بلندگوها در مقابل ساختمان اپرای تهران (بانک مسکن امروز) مشاهده می‌شد؛^{۲۸} گویندگان شورا از این بلندگوها اخبار روزنامه‌های آزادی‌خواه را می‌خواندند. به گزارش روزنامه‌ی *ظفر*، هدف از پخش اخبار این روزنامه‌ها از بلندگو «تنویر افکار توده‌ی مردم» بوده و به همین دلیل پس از سرقت این بلندگوها، توده‌ای‌ها دولت را متهم می‌کنند که همواره می‌خواهد صدای کارگران را خاموش کند.^{۲۹} این حزب علاوه بر ایجاد کلوپ مرکزی و دفاتر روزنامه با نصب بلندگوها در جایی در نزدیکی اپرای تهران در پی آن بود که تمام محدوده‌ی خیابان فردوسی از میدان توپخانه تا خیابان نادری را به تسلط خود درآورد.

توده بر بالکن

محل اصلی قرارگیری کلوپ مرکزی حزب توده در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. با تغییراتی که در برخی جداره‌های خیابان فردوسی، حدفاصل میدان توپخانه تا چهارراه استانبول صورت گرفته امکان شناسایی ساختمان از بین رفته است. عبدالله انوار نیز در کتاب *تهران* محدوده‌ی این ساختمان را مشخص می‌کند و به محل دقیق آن اشاره‌ای نمی‌کند.^{۳۰} او وقتی از باغ و زمین مسکونی امین‌السلطان^{۳۱} می‌نویسد که در فاصله‌ی میان خیابان لاله‌زار در شرق، خیابان فردوسی در غرب و بین دو کوچه‌ی باربد و اتابک (شاهچراغی امروز) در شمال و جنوب قرار داشته، و به ساختمان حزب توده در پیاده‌روی شرقی خیابان فردوسی

۲۸. همان، آبان ۱۳۲۵، ش ۳۹۳، ۱.

۲۹. همان.

۳۰. انوار، ۱۳۷۲، ج ۳، ۳۴.

۳۱. میرزا علی اصغر اتابک (کشته‌شده در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ.ق) ملقب به امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه و فرزند دوم ابراهیم خان امین‌السلطان بود.

اشاره می‌کند و می‌گوید:

در نخستین سال‌های حکومت پهلوی دوم، حزب توده‌ی ایران باشگاه مرکزی خود را در یکی از منازل مشرف به خیابان فردوسی دایر کرد و آن منزلی بود از سرلشکر امیرفضل‌ی که حزب به اجاره گرفته بود و خیابان فردوسی تا سال ۱۳۲۷ شمسی، یعنی تا زمانی که حزب توده غیرقانونی اعلام نشده بود، به واسطه‌ی آن باشگاه حزبی، ناظر بسی میتینگ‌ها و زدوخوردهای خیابانی ورژه‌های افراد حزبی بود.^{۳۲}

از توصیف رژه و میتینگی که پس از سخنرانی لویی سایان و مصطفی العریس، که در روزنامه‌ی ظفر نیز ذکر شده، می‌توان به محل حدودی قرارگیری ساختمان پی برد. بنا به گزارش روزنامه‌ی ظفر، در طول مدت یک ساعت و نیم که این رژه و میتینگ برگزار شد، «ده‌ها هزار نفر آزادی‌خواه در مقابل بالکن و در پیاده‌روهای خیابان سوم اسفند [سرهنگ سخایی فعلی] و فردوسی حاضر بوده و با صفوف کارگران در حین ابراز احساسات، هم‌صدایی می‌کردند.»^{۳۳} همچنین، در پیش‌زمینه‌ی تصویری که از میتینگی که به مناسبت روز کارگر در یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۲۵ برگزار شده، ساختمان اپرای تهران دیده می‌شود. در شرح این تصویر نوشته شده: «گوشه‌ای از جمعیت میتینگ‌دهندگان در حینی که خود را برای دموستراسیون آماده می‌کنند.»^{۳۴} با توجه به این که محل آغاز تجمع در جلوی بالکن کلپ مرکزی بوده، می‌توان نتیجه گرفت که ساختمان تقریباً روبه‌روی ساختمان اپرای تهران و در املاک امین‌السلطان قرار داشته است.

۳۲. انوار، ۱۳۷۲، ج ۳، ۳۴.

۳۳. روزنامه‌ی ظفر، تیر ۱۳۲۵، ش ۳۰۹، ۴.

۳۴. همان، اردیبهشت ۱۳۲۵، ش ۲۴۷، ۴.



املاک امین السلطان
در محدوده‌ی بین خیابان لاله‌زار
و خیابان امین السلطان،
(خیابان فردوسی فعلی)
در نقشه‌ی حاج نجم الدوله.
مأخذ: کتاب تهران، جلد سوم.



بالا چپ: سخنرانی رضا روستا، دبیر اول شورای متحده‌ی مرکزی کارگران ایران، روی بالکن کلوپ مرکزی خیابان فردوسی در اردیبهشت ۱۳۲۵.
مأخذ: روزنامه‌ی ظفر.

بالا راست: اجتماع ۱۶ مرداد ۱۳۲۴ به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت و سخنرانی عده‌ای از اعضای حزب توده روی بالکن کلوپ مرکزی.
مأخذ: روزنامه‌ی ظفر.

وسط: زنان شرکت‌کننده در میتینگ برگزار شده به مناسبت روز جهانی کارگر در اردیبهشت ۱۳۲۵. مأخذ: روزنامه‌ی ظفر.

پایین: شرکت‌کنندگان در جلوی ساختمان اپرای تهران در حوالی کلوپ مرکزی برای میتینگی که در اردیبهشت ۱۳۲۵ به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. مأخذ: روزنامه‌ی ظفر.

دیگران بر بالکن

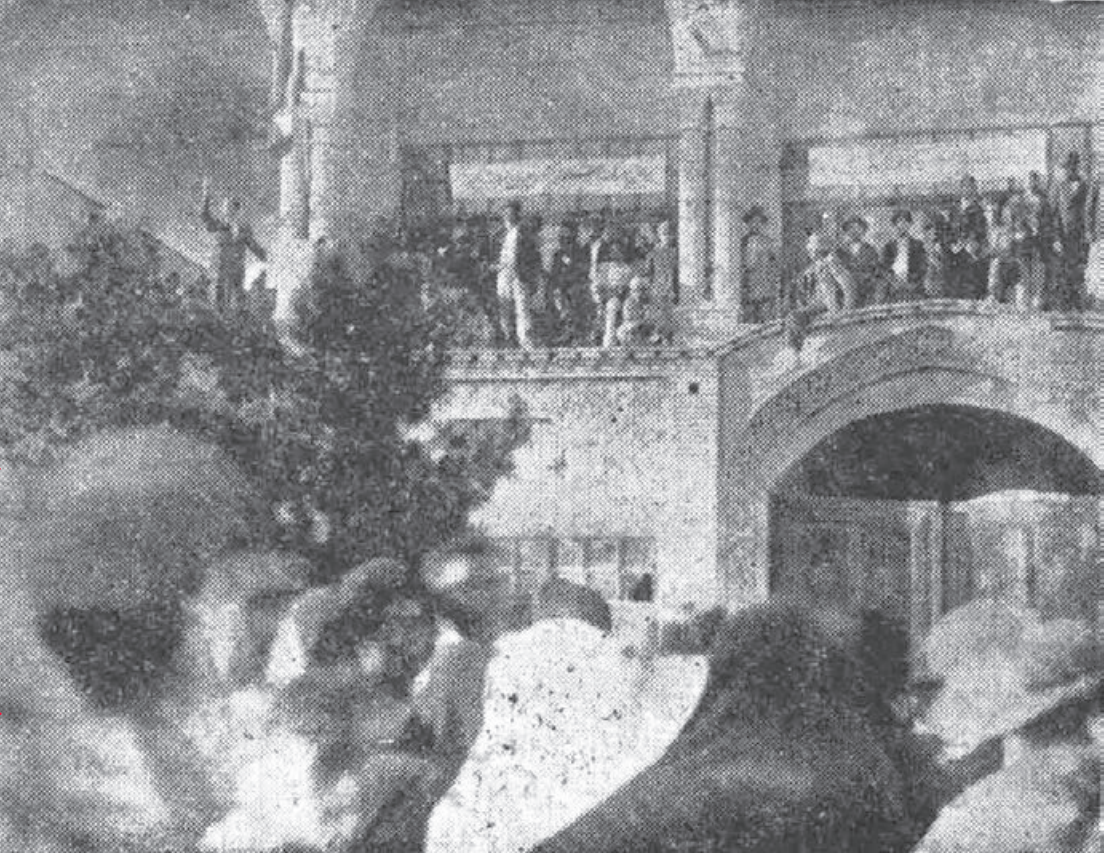
اما بالکن کلوپ مرکزی تنها بالکنی نبوده که در ایران میزبان اعضای حزب توده بوده است. در گزارش‌هایی که در روزنامه‌ی ظفر دیده می‌شود به استفاده‌ی مقامات حزب از بالکن عمارت بلدیّه در شمال میدان توپخانه‌ی تهران،^{۳۵} ساختمانی در کرمان،^{۳۶} بالکن ساختمانی در میدان هزارجریب اصفهان^{۳۷} و حتی ورامین^{۳۸} اشاره شده است. علاوه بر حزب توده، سایر احزاب هم در نقاط دیگری از تهران روی بالکن‌های مشرف به اماکن عمومی مانند میدان و خیابان تکاپوهای مشابهی داشتند؛ برای نمونه، تلاش اعضای جبهه‌ی ملی در راستای تأسیس دفتر روزنامه‌ی کشور در میدان بهارستان و برگزاری سخنرانی از بالکن دفتر این روزنامه برای هواداران خود. اگر در جنبش مشروطه بست نشینی در حرم شاه عبدالعظیم و مسجد شاه رسمی متداول برای بیان اعتراضات بود، در این دوره میدان‌ها و خیابان‌ها محل برگزاری میتینگ‌های اعتراضی شده بودند و احزاب با ایجاد کلوپ‌ها و بالکن‌های مشرف به خیابان در طبقه‌ی دوم، تسلط خود بر توده‌ها را عینیت می‌بخشیدند.

۳۵. روزنامه‌ی ظفر، اردیبهشت ۱۳۲۵، ش ۱، ۲۴۷.

۳۶. همان.

۳۷. همان، مهر ۱۳۲۵، ش ۱، ۳۸۱.

۳۸. همان، آبان ۱۳۲۵، ش ۱، ۳۹۱.



بالا: سخنرانی آقای حواد صاحب‌اختیاری روی بالکن شورای متحده‌ی ایالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان کرمان در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۵.
 مأخذ: روزنامه‌ی ظفر.

پایین: رژه‌ی «ورزشکاران و کارگران کارخانجات» در جلوی بالکنی در میدان هزارجریب اصفهان به مناسبت جشن مهرگان. مأخذ: روزنامه‌ی ظفر

منابع

- چهل سال در سنگر مبارزه، ۱۳۶۰، تهران: حزب توده ایران.
- حزب توده، از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۲۰-۱۳۶۸، ۱۳۸۷، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- طاهر احمدی، محمود، بهار و تابستان ۱۳۸۲. مصدق، کارگران و حزب توده. نشریه‌ی گنجینه اسناد، شماره‌ی ۴۹ و ۵۰، ۵۶-۶۵.
- انوار، عبدالله، ۱۳۷۲. غرب خیابان لاله‌زار. در کوبان، سیما: کتاب تهران (صص ۱۰-۵۴) جلد سوم. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- روزنامه‌ی ظفر، سال اول، شماره‌ی ۱۱۰، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۴، ۱.
- همان، سال دوم، شماره‌ی ۲۴۶، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۵، ۱.
- همان، سال سوم، شماره‌ی ۳۰۹، ۳۰ تیر ۱۳۲۵، ۴.
- همان، سال دوم، شماره‌ی ۲۳۵، ۲۸ فروردین ۱۳۲۵، ۲.
- همان، سال سوم، شماره‌ی ۳۹۳، ۱۳ آبان ۱۳۲۵، ۱.
- همان، سال دوم، شماره‌ی ۲۴۷، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۵، ۴.
- همان، سال سوم، شماره‌ی ۳۸۱، ۲۸ مهر ۱۳۲۵، ۱.
- همان، سال سوم، شماره‌ی ۳۹۱، ۱۰ آبان ۱۳۲۵، ۱.
- علی‌کیا، کیا؛ ابوالحسنی (منذر)، علی، آبان ۱۳۸۴. کارنامه حزب توده. نشریه‌ی زمانه، سال چهارم، شماره‌ی ۳۸، ۱۹-۲۱.
- نشریه‌ی بشر، سال دوم، شماره‌ی ۱۹۲، ۲ شهریور ۱۳۲۴، ۲.
- Kramer, Mark. 1999. The Early Post-Stalin Succession Struggle and Upheavals in East-Central Europe. Journal of Cold War Studies, Winter 1999, Vol. 1, No. 1 (Winter 1999), pp. 355-.



Carofalo Jack/Getty Images



من بازگشتم از راه،
جانم همه امید
قلبم همه تپش.